

## پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران\*

همزه زینالی\*\*

فارغ از عوامل زمینه ساز بزهکاری و چگونگی پیشگیری از آن در سطوح مختلف، یکی از بحثهای بنیادین در این زمینه، مسئله مدیریت و سیاستگذاری پیشگیری از بزهکاری به معنای علمی و متداول آن می باشد. در این مقاله نویسنده به بررسی مدیریت پیشگیری از بزهکاری در سطح خرد و کلان در ایران پرداخته و تلاش داشته به این سؤال اساسی پاسخ دهد که متولی و مسئول پیشگیری از جرم بر اساس قانون اساسی و قوانین جاری چه نهادی می باشد. نویسنده همچنین میزان توجه به پیشگیری از بزهکاری و جرم را در قوانین عادی و آئین نامه های داخلی نهادها و مؤسسات ذیربط مورد بررسی قرار داده است.

### مقدمه

نگاهی گذرا به تاریخ تحولات مبارزه با بزهکاری در جوامع مختلف نشان می دهد که جوامع برای پاسداری از ارزشها و هنجارهای حاکم در برابر متجاوزان بیشتر از همه به سلاح کیفر، متوسل شده اند، سلاحی که در واقع در دسترس ترین و کم هزینه ترین ابزارها- در مقایسه با اقدامهای غیرکیفری- است. به عبارت دیگر، در یک فضای « جرم مدارانه» دغدغه عمده، مجازات بزهکار با توجه به میزان آسیب وارده به جامعه، بدون توجه به عوامل فردی و اجتماعی زمینه ساز وقوع جرم است؛ بنابراین، مبارزه بابزهکاری جنبه واکنشی و انفعالی دارد تا جنبه کنشی و فعال.

\*نگارنده لازم می داند از زحمات جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی (استاد جرم شناسی و سیاست جنایی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) که در طول نگارش مقاله از راهنمایی های ایشان بهره فراوان برده است، تشکر و قدردانی نماید.  
\*\* کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی

بعد از یک دوره طولانی حاکمیت رهیافت انتزاعی، سرکوبگر و قهرآمیز بر سیاستگذاری مبارزه با بزهکاری، در سال ۱۸۷۶ با انتشار کتاب *انسان بزهکار* به قلم سزار لمبروز و ظهور «مکتب تحقیقی» در نحوه نگرش به بزهکاری دگرگونی عمیقی به وجود آمد، زمینه نگرش علمی به جرم و تولد رشته جدیدی فراهم شد که حدود ده سال بعد از کتاب *انسان بزهکار*، با انتشار کتابی با عنوان *جرم شناسی* به قلم رافائل گاروفالو در سال ۱۸۸۵، جرم‌شناسی نام گرفت.

بنابراین، توجه به علل فردی و اجتماعی بزهکاری، زمینه‌های تلاش برای حذف یا کنترل علل و شرایط جرم‌زا را فراهم کرد. انریکو فری از واضعان مکتب تحقیقی، در واقع، پس از اعلام قانون اشباع جنایی و با استنتاج از آن که کیفرها فاقد اثر پیشگیری عمومی هستند، نخستین کسی است که از پیشگیری و «جانشینهای کیفری» برای مهار بزهکاری و مقابله با آن سخن به میان آورده است (گسن، ۱۹۸۸، ۶۸).

با شکل‌گیری «جرم‌شناسی پیشگیری» به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی در «جرم‌شناسی کاربردی» به پیشگیری از بزهکاری خارج از چارچوب نظام کیفری و قبل از وقوع جرم» توجه شد. در واقع، این شاخه از جرم‌شناسی براساس یافته‌های «جرم‌شناسی نظری» از بزهکاری در سطح خرد و کلان، الگوها و سیاستهای پیشگیری از وقوع جرایم را بیان می‌کند.

با توجه به پیچیدگی پدیده بزهکاری و تنوع علل وقوع آن، تدوین برنامه‌ای ملی در راستای پیشگیری از آن ضروری است، برنامه‌ای که نه تنها باید سطوح مختلف پیشگیری را در نظر گیرد، بلکه به نقش تمام نهادها و مؤسسات رسمی، هیئت اجتماع و نهادهای مدنی در امر سیاستگذاری و مدیریت پیشگیری از جرم، توجه کند.

در این نوشته، ابتدا به شکل کلیات، سعی می‌شود پیشگیری از جرم، ویژگیهای اصلی آن، انواع پیشگیری، مدیریت و سیاستگذاری پیشگیری از جرم در برخی کشورها تبیین شود. در فصول بعد قانون اساسی ایران از منظر تعیین متولی و مسئول پیشگیری از جرم، مطرح و بالأخره قوانین عادی و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط بررسی می‌شود.

## ۱) پیشگیری از بزهکاری

قبل از ورود به بحث اصلی، برای روشن شدن محدوده پیشگیری از بزهکاری به معنای علمی و متداول، ضروری است بطور خلاصه، توضیحاتی در این زمینه داده شود.

### ۱-۱) تعریف پیشگیری

پیشگیری را « جلوگیری، دفع، صیانت، مانع شدن، جلوگیری» (معین، ۱۳۶۰) و « اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته» (مشیری، ۱۳۷۴) معنی کرده اند. واژه پیشگیری (Prevention) امروزه در معنی جاری و متداول دارای دو بعد است:

پیشگیری یا جلوگیری کردن (To prevent) هم به معنی « پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلو چیزی رفتن» و هم به معنی « آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۱۳۵)

در جرم شناسی پیشگیرانه، پیشگیری به معنی اول یعنی به کارگیری فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری است و جلو رفتن و پیش گرفتن از بزهکاری است. (گسن، ۱۹۸۸، ۱۳۳)

کیزر (۱۹۸۹) پیشگیری از وقوع جرم را « تدابیری می داند که با کمک آن وسعت و شدت ارتکاب جرم، چه با کاهش فرصتها و موقعیتهای ارتکاب جرم و چه با تحت تاثیر قرار دادن مجرمان بالقوه و کل جامعه به حداقل می رسد» (گراهام، ۱۹۹۰، ۱۱)

ریموند گسن (۱۹۸۸، ۱۳۳) در تعریف پیشگیری بیان می دارد: « از منظر علمی، می توان گفت که مراد از پیشگیری، هر فعالیت سیاست جنایی با این هدف خاص است که محدوده وقوع مجموعه اعمال جنایی را با ناممکن کردن یا سخت دشوار کردن کم کند یا احتمال وقوع آنها را پایین آورد، بی آنکه در این موارد به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شوند».

بنابراین، می توان گفت که پیشگیری از جرم شامل مجموعه اقدامات و تدابیری است که به فرآیند تکوین شخصیت افراد، اوضاع و احوال پیش جنایی، فرآیند فعلیت یافتن عمل جنایی، برای جلوگیری از وقوع جرم ناظر است.

با توجه به تعاریف بالا می توان برای اقدامات پیشگیرانه ویژگیهایی را بر شمرد که در گفتار بعدی می آید.

## ۲-۱) خصایص اقدامات پیشگیرانه

گسن، جرم شناسی فرانسوی، برای پیشگیری چهار معیار در نظر دارد :

۱- اقدامی پیشگیرانه تلقی می شود که هدف اصلی آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا « انحرافات جرم گونه » باشد، یعنی اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرآیندهایی که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین کننده و قاطع دارد.

۲- تدابیر یا اقدامهای پیش گیرنده جنبه جمعی دارد، یعنی مخاطب آن، کل جمعیت یا گروه یا بخش معینی از آن کل است.

۳- زمانی که هدف، اجتناب از انتخاب رفتارهای مجرمانه یا منحرفانه است، اقدامها یا تدابیری پیشگیرانه خوانده می شود که قبل از ارتکاب اعمال بزهکارانه یا کجروانه و نه بعد از آن انجام شود.

۴- و بالأخره، اگر پیشگیری شامل اعمال، تدابیر یا اقدامهایی قبل از ارتکاب هر جرم یا پیش از انتخاب هر رفتار منحرفانه است، در آن صورت، این تدابیر یا اقدامها نمی تواند مستقیماً قهرآمیز و سرکوبگر باشد؛ زیرا اعمال سرکوبی کیفی مستلزم آن است که جرمی واقع شده باشد. (نجفی ایرنداآبادی، ۱۳۷۸، ۱۳۶، و گسن، ۱۹۸۸، ۱۳۴)

ملاحظه می شود که با توجه به خصایص چهارگانه بالا، پیشگیری کیفی و پیشگیری فردی از تکرار جرم بااصلاح و بازپروری مجرمان، از تعریف پیشگیری و محدوده آن خارج می شود. یکی دیگر از خصایصی که می توان برای اقدامات پیشگیرانه قائل شد، هزینه بر و وقتگیر بودن آن است. در واقع، چون اعمال تدابیر پیشگیرانه مستلزم آگاهی از عوامل و فرآیندهای جرمزاست، شناخت این عوامل از سویی، و برنامه ریزی سیاستگذاری در راستای حذف یا از بین بردن آنها از دیگر سو، مستلزم صرف هزینه و مدت زمان طولانی است. بنابراین، بین گستردگی برنامه ها، اقدامات پیشگیرانه، میزان موفقیت آنها، با وضعیت اقتصادی کشور، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

### ۱-۳) انواع پیشگیری

در جرم شناسی و بر حسب تاریخ ظهور آنها، شش نوع پیشگیری از هم قابل تفکیک است، بی آنکه این تفکیک و طبقه بندی مطلق باشد. چهار نوع نخست با عنوان « پیشگیری متداول » و دو نوع دیگر به عنوان « پیشگیری جدید » مورد توجه است. به روشنی این پیشگیریها هر یک مبتنی بر مکتب و نظریه خاصی در جرم شناسی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۱۳۷).

#### ۱-۳-۱) پیشگیریهای متداول

۱- قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. طبق این تفکیک در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار که شخصیت آنها در حال شکل گیری است، باید تدابیر پرورشی و بازپروری را به کار گرفت. حال آنکه در مورد بزهکاران بزرگسال باید از ارعاب انگیزی با تهدید به مجازات استفاده کرد؛ زیرا شخصیت آنها شکل گرفته است.

۲- پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی: پیشگیری عمومی به عوامل عمومی پدیده مورد پیشگیری (بزهکاری) حمله ور می شود. (گسن: ۱۹۸۸، ۱۳۴). بدیهی است، نهادهای مردمی و خود مردم از جمله خانواده، مدرسه، محله، ... محیط سربازی در این نوع پیشگیری نقش عمده ای دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ۱۸). در پیشگیری اختصاصی یا خصوصی به عوامل صریح تر و اختصاصی تر جرایم و خنثی کردن آنها توجه می شود.

۳- پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال: در پیشگیری انفعالی بعضی اقدامهای معمول پیشگیرنده از نوع « هشدار پلیسی » انجام نمی شود؛ بلکه در یک انتظار انفعالی برای تأثیر این اقدامها باقی می ماند؛ حال آنکه در نوع فعال، پلیس برای اجتناب از وقوع جرم وارد عمل می شود و مثلاً برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را

به عهده می‌گیرد که در معرض جرم یا انحراف در زمان و مکان خاصی قرار دارند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸، ۱۳۸). مشارکت جامعه مدنی، مثلاً شوراهای شهر و شهرداریها یا اقدام مستقل هر یک از آنها در این خصوص نقش عمده ای ایفا می‌کنند.

۴- پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثیه با الهام از الگوی معمول در پزشکی انجام و از هم تفکیک شده است:

۴-۱- پیشگیری اولیه: این نوع پیشگیری شامل اقدامهایی است که اوضاع و احوال و شرایط جرم زای محیط فیزیکی و اجتماعی را تغییر می‌دهد (یعنی بهبود شرایط زندگی) (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸، ۱۳۸).

۴-۲- پیشگیری ثانویه: این نوع پیشگیری از پیش بینی در باب یک وضعیت جرم زا متأثر می‌شود (کلدی، ۱۳۸۱، ۶۵). در واقع این پیشگیری ناظر به گروههای خاص است که بیم ارتکاب جرم از سوی اعضای آنها می‌رود و در معرض خطر بزهکاری قرار دارند (گسن، ۱۹۸۸، ۱۳۵)؛ به عنوان مثال، می‌توان از اطفالی نام برد که در خانواده‌های از هم گسیخته و محله‌های فقیر یا بی‌بضاعت در وضعیت نامناسب زندگی می‌کنند.

با توجه به خصایصی که برای پیشگیری بر شمردیم، این دو نوع پیشگیری در چارچوب جرم‌شناسی پیشگیرانه قرار می‌گیرد.

۴-۳- پیشگیری ثالث (یا سومین): در واقع ناظر به پیشگیری از تکرار جرم با انجام اقدامهای فردی و سازگار سازی دگر باره بزهکاران قدیمی است. کمکهای انجمن حمایت از زندانیان و اشخاص و تشکلهای علاقه مند در موفقیت سیاست اصلاحی-بازپروری بزهکاران و کنترل تکرار جرم تأثیر عمده دارد. این نوع پیشگیری با توجه به اینکه ناظر به اقدامات بعد از وقوع جرم است، در چارچوب «جرم‌شناسی پیشگیرانه» قرار نمی‌گیرد.

جرم شناسی امروزه پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی را مطرح می کند. البته، این طبقه بندی نوین تا اندازه ای نوآوری و تا حدی از تلفیق اشکال متداول پیشگیری است.

۱- پیشگیری اجتماعی: این نوع پیشگیری شامل مجموعه اقدامهای پیشگیرنده است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی هستند که در تکوین جرم مؤثر است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۱۳۹). در واقع، در تدابیر پیشگیری اجتماعی نقش خانواده، آموزش، وسایل ارتباط جمعی و سیاست کلی اجتماعی، بسیار اهمیت دارد. به طور کلی، می توان گفت که در این نوع پیشگیری با رویکردی کلان به عوامل بروز بزهکاری از قبیل: فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی توجه می شود و با توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه از بزهکاری پیشگیری می شود.

۲- پیشگیری وضعی: شامل مجموعه اقدامها و تدابیری است که به محیط و شرایط پیرامونی جرم (وضعیت مشرف بر جرم) و مهار آن توجه می شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ۱۹)

«کلارک» پیشگیری وضعی از جرم را به عنوان اقدامهای قابل پیش بینی و ارزیابی در مقابل با جرم می داند. این اقدامها معطوف به شکلهای خاصی از جرم است و با اعمال مدیریت، یا مداخله در محیط بی واسطه به شیوه ای پایدار و منظم فرصتهای جرم کاهش و خطرهای ناشی از انجام جرم که همواره مدنظر مجرمان است افزایش می یابد (رزنبام، لوریسیو، داویس، ۱۳۷۹، ۱۴۷).

در واقع، در این نوع پیشگیری با حمایت از آماجهای جرم (اموال و اشخاص) و بالا بردن خطر ارتکاب جرم برای بزهکاران بالقوه، وضعیتهای پیش جنایی کاهش می یابد. انواع متعدد پیشگیری از بزهکاری نشان گستردگی و پیچیدگی روشهای این شاخه از جرم شناسی است. بنابراین، تدوین و اجرای یک برنامه جامع پیشگیری از بزهکاری مستلزم برنامه ریزی و سیاستگذاری کلان است. پس نمی توان انتظار داشت که یک مؤسسه، نهاد و وزارتخانه بتواند به تنهایی عهده دار پیشگیری از وقوع جرم در جامعه باشد. (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱،

۲۲)، بلکه چنین امری همکاری و مشارکت نهادهای دولتی از یک سو، و نهادهای مدنی (تشکلهای مردمی) را از دیگر سو، می طلبد؛ همچنین مستلزم ایجاد تحول و نوآوری در سیاستها، ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است.

بدیهی است که واگذاری مدیریت به نهاد خاص برای برقراری هماهنگی بین سایر نهادها ضروری است، کشورهای مختلف در زمینه مدیریت و پیشگیری از الگوهای خاصی تبعیت کرده اند که به اختصار در گفتار بعدی می آید.

#### ۴-۱) مدیریت پیشگیری از بزهکاری در دیگر کشورها

امروزه در سطح داخلی، دولتها، کمیسیون، کمیته یا شوراها خاص را به عنوان متولی و مسئول پیشگیری از بزهکاری ایجاد کرده اند و مدیریت آن را به وزارت کشور (مثلاً در انگلستان) یا به وزارت دادگستری (مثلاً در نروژ و دانمارک) یا به اشتراک به وزارت کشور و دادگستری (مثلاً در هلند) یا به صورت مدیریت مشترک به نمایندگان جمعی از وزارتخانه ها (مثلاً در فرانسه) یا مستقیماً به سازمان پلیس (مثلاً در قبرس) محول کرده اند؛ بعضی کشورها نهاد مستقلی برای اداره و هدایت پیشگیری تأسیس کرده اند (مثلاً سوئد) (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰) که از آن با عنوان «شورای ملی پیشگیری از بزهکاری» نام می برند. در اینجا به تجربه کشور فرانسه می پردازیم:

درفرانسه، به سال ۱۹۷۶ رئیس جمهور: «ژیسکار دستن» به دلیل نگرانی از افزایش میزان تبهکاری در سالهای متمادی در فرمانی که در تاریخ بیست و سوم مارس هزار و نهصد و هفتاد و شش صادر کرد «کمیته بررسیهای خسونت، تبهکاری و بزهکاری» را تأسیس و تحت ریاست آقای «آلن پیرفیت» (Alain Peyrefitte) قرار داد که معمولاً به اختصار "کمیته پیرفیت" خوانده می شود. این کمیته به سرعت و تمام وقت کارکرد و گزارش خود را در ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۷ به رئیس جمهور تقدیم داشت. این گزارش در همان سال جزو اسناد ملی فرانسه با هشت جلد و ضمیمه چاپ شد. از بین صد و پنج توصیه که در این گزارش آمده است پیشنهاد تأسیس یک نهاد دائمی در سطح ملی به چشم می خورد. به آن مأموریت در هماهنگی و جان بخشی مساعی



پراکنده مؤسسات مختلف که عهده دار مأموریت پیشگیری از بزهکاری و خشونت بودند محول شد (گسن، ۱۹۸۸، ۱۲۸)

فرمان ۲۸ فوریه ۱۹۷۸ با تأسیس کمیته ملی و کمیته های استانی برای پیشگیری از خشونت و تبهکاری، به آخرین سفارشهای کمیته پیرفیت جامه عمل پوشاند و بعد ها در سال ۱۹۸۲ شوراهای بخش برای پیشگیری از بزهکاری « به شوراهای استانی پیشگیری از بزهکاری » افزوده شد (گسن، ۱۹۸۸، ۱۲۹). و از سال ۱۹۸۸ به بعد یک هیأت مشترک از بین چند وزارتخانه تشکیل گردید که در وزارت شهر و شهرسازی مستقر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰-۱۳۷۹)\*.

## ۲) متولی پیشگیری از جرم با توجه به قانون اساسی ایران

اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی بیان می دارد: « قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

« اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین ».

بنابراین، ملاحظه می شود که با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف قوه قضائیه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم بیان شده است.

### ۲-۱) معنای پیشگیری از جرم در اصل ۱۵۶ قانون اساسی

سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که منظور از « پیشگیری از وقوع جرم » پیشگیری از بزهکاری به معنای متداول و علمی است یا اینکه شامل پیشگیری کیفری و تکرار جرم است.

پاسخی که به این سؤال می توان داد این است که منظور قانونگذار از پیشگیری به معنای متداول و علمی است، دلایل چندی را می توان برای اثبات این ادعا ذکر نمود: مقنن در بند چهار اصل یکصد و پنجاه و شش با این عبارت: « کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین

\* برای اطلاعات بیشتر در زمینه آخرین تحولات کشور فرانسه در مورد مدیریت پیشگیری از جرم، ر.ک به: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، ۱۳۸۱.

و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی « به پیشگیری کیفری از جرم توجه دارد، و این بند در بیان وظایف قوه قضائیه اشاره دقیق به پیشگیری کیفری از بزهکاری دارد. دوم: منظور قانونگذار پیشگیری از تکرار جرم در معنای پیشگیری ثالث نیست، چرا که بلافاصله بعد از اشاره به پیشگیری از وقوع جرم در پنج بند اصل یکصد و پنجاه و شش به اصلاح مجرمان به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه اشاره می‌کند، و این همان پیشگیری از تکرار جرم از طریق بازپروری و اصلاح مجرمان است. سوم: عده ای بر این عقیده اند که بند پنجم اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی درست ترجمه عبارت (Prevention of Crime and Treatment of Offenders) است که موضوع بحث کنگره ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان (The United Nations Congress on the Prevention of Crime and Treatment of Offenders) است (فرجیهای قزوینی، ۱۳۷۱، ۵۸) به علاوه، هیچ بحث و گفتگو و نظریه کارشناسانه در مجلس درباره این بند به علت عدم آشنایی نمایندگان در این کنگره به میان نیامده است، و از همه مهمتر پیشنهادهای ارسالی به مجلس خبرگان چه بسا ناشی از تأمل افراد آشنا، متخصص و تحصیلکرده در این باره باشد (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱، ۴۱)

علاوه بر این، ایران قبل از انقلاب با این کنگره ها بیگانه نبوده است و سیاست جنایی وقت، حاکی از توجه به این کنگره هاست\* و در نتیجه پیش زمینه های این توجه خاص، احتمالاً در قانونگذاری اسلامی به دلیل وجود پیشنهاد دهندگان متخصص (داخلی و خارجی) و آشنا به این کنگره ها بی تأثیر نبوده است (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱، ۴۳، ۴۲) و پیشگیری از جرم در کنگره های فوق به معنای متداول و علمی مطرح بوده است، یعنی اقدامات ناظر بر قبل از وقوع جرم.

## ۲-۲) به چالش کشیدن واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه

از آنچه تا کنون بیان شد، روشن می شود که با توجه به قانون اساسی ایران، وظیفه پیشگیری از جرم در سطوح مختلف به قوه قضائیه محول شده است. در مورد پیشگیری کیفری و پیشگیری از تکرار جرم با اصلاح و بازپروری مجرمان، برای اینکه این نوع پیشگیری ها بعد از

\* به عنوان نمونه ای از توجه قانونگذاری سابق به مصوبه های کنگره های بالا می توان « آیین نامه زندانها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی وابسته به زندانها» مصوب نوزدهم تیرماه هزار و سیصد و پنجاه و چهار را نام برد.

وقوع جرم اعمال می شود ، بحثی نیست. اما سؤالی که مطرح می شود این است که آیا واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به معنای علمی و متداول آن به قوه قضائیه با توجه به فلسفه وجودی این قوه و گستردگی مسأله پیشگیری از جرم در معنای علمی، درست است، و برای حل مشکل با توجه به واقعیتی به نام قانون اساسی چه راهکاری می توان ارائه داد. در این زمینه چه در حین تصویب و چه بعد از تصویب قانون اساسی ، دیدگاههای مختلفی بیان گردیده است که در ادامه بحث به برخی از آنها اشاره می کنیم .

#### ۱-۲-۲) دیدگاه مخالفان

دکتر قائمی در مجلس خبرگان قانون اساسی در مقام مخالفت با واگذاری وظیفه پیشگیری از جرم به قوه قضائیه بیان می دارد : « پیشگیری از وقوع جرم نمی تواند در اختیار سازمان قضایی باشد. من معتقدم پیشگیری از وقوع جرم در برنامه کوتاه مدت و وظیفه دستگاه انتظامی یعنی شهربانی و زندانمری است، و در برنامه بلند مدت از وظایف آموزش و پرورش و سازمانهای مرتبط با مسائل ارتباط جمعی است و باید با سازندگی مردم در این زمینه اقدام کرد» (صورت مشروع مذاکرات مجلس : بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ۱۵۸۳)

در واقع باید در تکمیل دیدگاه بالا گفت که با توجه به گستردگی و متنوع بودن قلمرو پیشگیری از جرم واگذاری مسئولیت آن به یک نهاد نمی تواند چندان کارساز باشد، از طرف دیگر بیشترین وظایف قوه قضائیه پس از ارتکاب جرم مطرح می شود و مداخله نهاد دادگستری به عنوان نهادی سرکوبگر، قبل از وقوع جرم برای پیشگیری از ارتکاب آن بسیار خطرناک است و حقوق و آزادیهای فردی را در معرض خطر و تجاوز جدی قرار می دهد. همچنان که در سالهای اخیر یکی از استنادات دادگستری در توقیف مطبوعات، استناد به بند پنج اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی، برای پیشگیری از وقوع جرم توسط آنها بود.

دکتر مهدی کی نیای فقید در ارتباط با متولی پیشگیری بیان می دارد : «... این بند مقدس که در اصل یکصد و پنجاه و شش افتاده، جایش باید عوض شود. ما حفظش می کنیم

ولی پیشگیری از جرم عمل قضایی نیست، به قول معلم ما بیناتل: جرم شناسی وعده گاه تمام علوم است و ...

این وعده گاه علوم کار قاضی نیست. قاضی با عمل انتزاعی خود، شخص مجرم را با ماده ای از قانون تطبیق می دهد و او را می فرستد زندان، می خواهد اصلاح بشود یا اصلاح نشود. جرم شناس دنبال این است که چرا او سقوط کرده، از لحظه انعقاد نطفه تا لحظه ارتکاب جرم ... تلاش من این است که توفیق پیش بیاید، در این بازنگری قانون اساسی، این بند اصل یکصد و پنجاه و شش - اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم را از صلاحیت دادگستری خارج و در صلاحیت رهبری مملکت قرار دهد. دلیل من برای این کار این نیست که دنیای خارج این کار را کرده است، پس ما هم انجام دهیم. اطلاع دارید، ژیسکار دستن وقتی رئیس جمهور شد بزرگترین مؤسسه را برای بررسی جرم به وجود آورد. البته آمریکایی ها یک مقدار جلوتر، در زمان جانسون اینکار را کرده بودند. او ششصد متخصص را گرد آورد. ... با یک مؤسسه ویژه زیر نظر رهبر مملکت، زیرا رهبر بر هر سه قوه اشراف دارد. من مثال ساده ای می زنم، فرض کنیم دادگستری دریابد مشکل اساسی ما در خانواده هاست، چه کاری می تواند بکند، هیچی، هیچ کاری نمی تواند بکند. اما سیاستگذار مملکت، او که سیاستهای ملی مملکت را تدوین می کند او می تواند اینکار را بکند...» (آخرین مصاحبه با دکتر کی نیا، پیش از مرگ وی، ۱۳۷۴، ۹) ملاحظه می شود که مرحوم دکتر کی نیا با توجه به گستردگی و تنوع پیشگیری از جرم به معنای علمی و نظارت فائده رهبری بر تمامی قوا و نهادها، پیشنهاد واگذاری سیاستگذاری و راهبری در پیشگیری را به رهبر مطرح کرد، و با سپردن مسئولیت پیشگیری به قوه قضائیه به دلیل ماهیت وظایف این قوه و محدود بودن امکاناتش، مخالف بود.

#### ۲-۲-۲) دیدگاه موافقان

دکتر ضیائی در مجلس خبرگان قانون اساسی بیان کرد: ... در هر جایی که احتمال بدهد ممکن است جرمی واقع بشود وظیفه حاکم شرع است به شیوه های مختلف بدون توسل به قوه مجریه از اقدامهای نظامی و انتظامی جلوگیری کند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس: بررسی نهایی قانون اساسی، همان، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴)

همان طور که در قسمت قبل بیان شد، این نوع تفسیر از پیشگیری می تواند بسیار خطرناک باشد و موجب عدول از قواعد حاکم بر « حقوق پیشگیری » شود.

در مقام موافقت با مسئولیت پیشگیری از جرم قوه قضائیه شاید چنین بتوان استدلال کرد: این قوه تنها نهادی است که با بزهکاری از نزدیک ارتباط دارد، پس به راحتی می تواند به علل وقوع آن پی ببرد و در راستای از بین بردن علل برنامه ریزی و سیاستگذاری عمل کند؛ از سوی دیگر، قانون اساسی نیز از این قوه به عنوان تنها نهادی که وظیفه پیشگیری از جرم را دارد، نام برده است، پس تولیت این قوه برای پیشگیری از وقوع جرم با قانون اساسی هم مطابقت دارد.

### ۲-۲-۳ دیدگاه سوم

دکتر نجفی ابرند آبادی در زمینه مدیریت پیشگیری از جرم معتقد است: « اکنون واقعیتی به نام قانون اساسی داریم که هنوز معلوم نیست چه زمانی بازنگری شود، پس برای وضع موجود باید راه حلی یافت که علمی باشد و بدین ترتیب، با این قرائت که بند پنج اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی ترجمه عنوان کنگره های پنج ساله پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان است و قوه قضائیه با استفاده از مطالعات این کنگره ها، پیشگیری از وقوع جرم را در سطح جامعه را مدیریت و سیاستگذاری می کند. » (نجفی ابرند آبادی، ۸۰-۱۳۷۹). به نظر ایشان، استنباط ما از بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی باید جنبه سیاست گذاری و برنامه ریزی در زمینه پیشگیری و سپس ارائه آنها در قالب لوایح قانونی یا آئین نامه های خاص یا بخشنامه های لازم الاتباع توسط سایر ارگانها و نهادهای عمومی، توسط قوه قضائیه باشد، بدین معنا که این قوه باید در بطن خود کمیسیون ویژه ای را با عضویت نمایندگان نهادهای پلیسی، قضایی، فرهنگی، بهداشتی، مدنی و ... تشکیل داده و وظایف و طرز کار و جایگاه مصوبات خود را از طریق ارائه لایحه ای تحت عنوان « لایحه اجرای بند پنج اصل ۱۵۶ قانون اساسی » به مجلس شورای اسلامی، مشخص و معین نماید. در این چارچوب قوه قضائیه یا ریاست آن، در واقع به عنوان ریاست فائده « کمیسیون مطالعات پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین » نقش هماهنگ کننده برنامه های پیشگیرانه را در سطح نهادهای دولتی و جامعه ایفا خواهد کرد.

بدین ترتیب به نظر ایشان چنانچه استنباط ما از بند ۵ این باشد که صرفاً قوه قضائیه یا نهادهای وابسته به آن باید خود کارهای عملیاتی و سیاستگذاری برای پیشگیری از جرم را انجام دهند، یک برداشت کاملاً سطحی از نظر خبرگان تدوین کننده قانون اساسی است.

ملاحظه می شود که دیدگاه بالا از یک سو، می پذیرد که واگذاری چنین مسئولیتی به قوه قضائیه اشتباه است و از سوی دیگر با پذیرش واقعیتهای به نام «قانون اساسی» خواهان شکل دهی پیشگیری در معنای علمی و جرم شناسانه با مدیریت و سیاستگذاری قوه قضائیه است.

**۲-۳) نگاهی گذرا به تلاشهای قوه قضائیه در راستای عملیاتی کردن قسمت اول بند پنج اصل ۱۵۶**

در این قسمت تلاش می شود نگاهی گذرا به اقدامهای قوه قضائیه در عملی کردن اقدامهای مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم داشته باشیم.

#### ۲-۳-۱) مرکز مطالعات حقوقی و قضایی دادگستری

در سال ۱۳۶۳، شورای عالی قضایی وقت بر اساس آیین نامه خاصی «مرکز مطالعات حقوقی و قضایی» را تأسیس کرد، و بر اساس بند هفت آیین نامه یاد شده «پژوهش درباره اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» به عنوان یکی از وظایف آن مرکز بیان شد، اما این مرکز هیچ اقدام علمی و عملی قابل توجهی در خصوص این مهم انجام نداد، مسئولان امر پی برده بودند که پیشگیری قلمرو گسترده ای دارد و به بهانه عدم مداخله در دیگر قوا از مسئولیت خطیر آن شانه خالی کردند (مؤذن زادگان، ۱۳۶۷، ۹۰).

#### ۲-۳-۲) دفتر مطالعات و پیشگیری از وقوع جرم

در نیمه دوم سال ۱۳۷۰ مرکزی با عنوان «دفتر مطالعات و پیشگیری از وقوع جرم» به دستور رئیس قوه قضائیه و با مسئولیت دادستان کل کشور به منظور مطالعه راجع به پیشگیری از وقوع جرم تشکیل شد.

در اساسنامه این دفتر دلیل تشکیل آن را در راستای تحقق بند پنج اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی آورده اند. به طور کلی، اهداف این مرکز یافتن شیوه ها و راههای مؤثر بر پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان از طریق:

۱- بررسی روند بزهکاری و علل وقوع جرایم

۲- بررسی تدابیر و مقابله با مجرمان

۳- اتخاذ اقدامات ضروری مبارزه با بزهکاری و مقابله با مجرمان است.

نکته و نمود خاصی که در این مرکز از لحاظ علمی و عملی قابل توجه است آنکه، این مرکز به بهانه مداخله در دیگر قوا از وظیفه مهم سر باز نزده است؛ و در واقع بادرک بستر و وظیفه خود دریافته باید از دیگر قوا (نمایندگان تام الاختیار مجلس و ریاست جمهوری)، متخصصان (جرم شناس، روانشناس، جامعه شناس) به طور کلی از عموم جامعه یاری جوید، تفکر و اندیشه را به جهتی سوق می دهد که وظیفه قوه قضائیه صرفاً اقدامات منحصر در اختیار این قوه نیست؛ بلکه وظیفه این قوه سیاستگذاری و جهت دهی در امر پیشگیری به کمک دیگر نهادها و قوای جامعه است (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱، ۵۱).

مرکز یادشده هرچند از نظر نمودار سازمانی و کمیسیونهای موجود بسیار گسترده بود، اما نتوانست خواسته های خود را عملی کند و فقط از جهت درک واقعیات موجود و تسهیل شناخت پایه های پیشگیری از جرم توانست کارهایی نظری انجام دهد.

### ۳-۲) مرکز تحقیقات و پژوهشهای قوه قضائیه

این مرکز نیز به ریاست قوه قضائیه تشکیل شد و با ایجاد چند شورا در زیر مجموعه نمودار تشکیلاتی خود به فعالیت پرداخت، با تصویب و انجام برخی طرحهای تحقیقاتی در زمینه « اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» در مسیری گام نهاد که نتیجه آن شناخت پیشگیری از وقوع جرم در معنای علمی آن بود.

در سال ۱۳۸۱ نیز با تأسیس « شورای عالی توسعه قضایی» به ریاست قوه قضائیه به یکی از مواردی که در کمیسیون سیاست جنایی و تدوین قوانین جزایی آن شورا توجه شد، بند پنج اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی بود که در این راستا آن کمیسیون، کمیته پیشگیری

از جرم را تأسیس کرد. یکی از طرحهایی که در آن کمیته در جریان است، طرح تهیه پیش نویس تأسیس «شورای ملی پیشگیری از جرم» در ایران است. در این طرح با پذیرش ریاست قوه قضائیه بر شورای یاد شده از سایر نهادهای مربوطه از جمله وزارت کشور، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، مسکن و شهرسازی، ... و سازمان زیر مجموعه آنها همچون سازمان بهزیستی کشور، نیروی انتظامی، ... و همچنین نمایندگانی از نهادهای مدنی (هیئت اجتماع)، به عنوان اعضای شورا نام برده، همچنین به تشکیل شورا در سطح استانی نیز توجه شده است.

### ۳) پیشگیری از جرم در پرتو قوانین عادی و آیین نامه ها

اگر چه قانون اساسی ایران، وظیفه «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» را در معنای علمی و متداول آن - به قوه قضائیه واگذار کرده است، اما با نگاهی به قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی و آیین نامه های اجرایی مصوب نهادها و سازمانها، مشخص می شود که پیشگیری از جرم به عنوان شرح وظایف برخی نهادها و سازمانها، بیان شده است.

#### ۱-۳) پیشگیری در قانون مبارزه با مواد مخدر

ماده سی و سه «قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب سوم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک مجمع تشخیص مصلحت نظام» مصوب هفدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش بیان می کند :

“ به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل، اعم از تولید، توزیع، خرید و فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون آمده است، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضایی، برنامه های پیشگیری، آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود، اعضای ستاد عبارت اند از :

- ۱- رئیس جمهور
- ۲- دادستان کل کشور
- ۳- وزیر کشور
- ۴- وزیر اطلاعات
- ۵- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۶- وزیر آموزش و پرورش
- ۷- رئیس سازمان صدا و سیما
- ۸- فرمانده نیروی انتظامی
- ۹- سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی
- ۱۰- سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی
- ۱۱- فرمانده



نیروی مقاومت بسیج ۱۲- وزیر فرهنگی و ارشاد اسلامی ... تبصره برای پیشگیری از ارتکاب جرائم مواد مخدر دولت موظف است هر سال بودجه ای برای این امر اختصاص دهد و به دستگاههای مسئول موضوع همین ماده را ابلاغ کند. بنابراین، ملاحظه می شود که با توجه به ماده یاد شده «پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر» و یا «پیشگیری از ارتکاب جرائم مواد مخدر» از جمله وظایف ستاد مبارزه با مواد مخدر بیان شده است.

درارتباط با وظیفه یاد شده بیان چند نکته ضروری است :

الف- ستاد مبارزه با مواد مخدر یک نهاد هماهنگ کننده، سیاستگذار و مدیر در زمینه مبارزه و پیشگیری از جرائم مواد مخدر است؛ با این توضیح که ستاد مبارزه با مواد مخدر مستقیماً به امر پیشگیری و مبارزه با جرائم مواد مخدر نمی پردازد، بلکه طرحها و پیشنهادهای دیگر ارگانها و نهادهای دولتی و غیر دولتی را بررسی و در صورت تأیید تأمین اعتبار می کند؛ به علاوه ، هماهنگ کننده تمام عملیات اجرایی، قضایی و برنامه های پیشگیری و تبلیغ علیه مواد مخدر را بر عهده دارد (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱، ۹۳).

ب- با نگاهی به اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر مشخص می شود که قانونگذاری تنها با مسئله پیشگیری از جرم به معنای علمی و متداول نظر ندارد؛ بلکه به پیشگیری کیفی و پیشگیری از تکرار جرم به شیوه اصلاح و بازپروری نیز توجه دارد.

۱- حضور اعضای همچون، رئیس جمهور، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ، وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشان توجه قانونگذار به نقش فعالیتهای فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی در پیشگیری از اعتیاد و سایر جوامع مرتبط با مواد مخدر است. هر چند قانونگذار می بایست با توجه به نقش مشکلات اقتصادی و بیکاری در گرایش به اعتیاد و سایر جرائم مواد مخدر، وزیران اقتصاد و کار را نیز به عنوان اعضا تعیین می کرد و حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز برای هماهنگیهای لازم در راستای تصویب قوانین ضروری می نماید.

۲- حضور وزیر کشور و اطلاعات، نشان نگاه امنیتی قانونگذار به مسئله مواد مخدر است، و حضور فرمانده نیروی انتظامی و فرمانده نیروی مقاومت بسیج، نشان می دهد که قانونگذار به نقش پلیس در پیشگیری وضعی از ارتکاب جرائم مواد مخدر توجه داشته است.

۳- تعیین سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، نشان توجه قانونگذار به پیشگیری ثالث، یعنی پیشگیری از تکرار جرم به شیوه اصلاح و بازپروری مجرمان است.

۴- حضور دادستان کل کشور و سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی، نشان می دهد که قانونگذار به پیشگیری کیفی نیز توجه داشته است.

اما آنچه که از نظر ترکیب اعضا قابل انتقاد به نظر می رسد، عدم حضور افرادی از جامعه مدنی در ستاد مبارزه باموادمخدر است. در صورتی که جامعه مدنی به عنوان یکی از مهمترین عوامل پیشگیری از جرم، نقش بسیار مهمی در پیشگیری از اعتیاد یا ارتکاب سایر جرائم مواد مخدر دارد، و تشکیل نهادها و مؤسسات غیر دولتی در دهه اخیر در پیشگیری از جرایم یاد شده، نشان از نقش و اهمیت آنها دارد. نهادهایی نظیر «انجمن معنادران گمنام»، «جمعیت مبارزه بااعتیاد»، «جمعیت آفتاب»، «انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی (احیای ارزشها)» در سالهای اخیر گامهای مؤثری در پیشگیری از اعتیاد بر داشته اند.

ج- به موجب ماده سی و چهار، به ستاد مبارزه باموادمخدر اجازه داده شده است که بر اساس ضرورت، آیین نامه های اجرایی موردنیاز را تهیه و تدوین کند، از این رو ستاد به تاریخ بیستم دیماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت «آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معنادران به موادمخدر و حمایت ازافراد در معرض خطر اعتیاد» را تصویب کرد.

دراین آیین نامه در واقع به سطوح سه گانه پیشگیری که در الگوی پزشکی مطرح شده و در قسمت کلیات بدان پرداختیم، توجه شده است. در بعضی موارد به نقش نهادهای غیر رسمی نیز در پیشگیری از اعتیاد اهمیت داده است:

۱- .... پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و داروهای روانگردان.... و انجام اقدامات فرهنگی، ارشادی، تبلیغی و معاضدتی جهت کاهش تقاضای مواد مخدر در متن ماده یک آیین نامه و بندهای پنج، هشت، نه، دوازده و هفده ماده دو و نیز بندهای یک، چهار، پنج و شش ماده پنج و بندهای شش، هفت و هشت آیین نامه در حیطه قلمرو و پیشگیری اولیه قرار می گیرد.

۲- آیین نامه با استفاده از اصطلاح در حمایت از افراد « در معرض خطر اعتیاد» در راستای پیشگیری ثانویه حرکت کرده است و با پیش بینی اقداماتی برای افرادی که در معرض خطر ابتلا به اعتیاد هستند در صدد جلوگیری از بزهکاری و یا بزه دیدگی افراد گام برداشته است.

مطابق با بند یک ماده دو آیین نامه « گسترش کمی و کیفی مراکز مشاوره ای و حمایتی برای گروههای در معرض خطر و خطوط تلفنی مداخله در بحران برای اعتیاد» پیش بینی شده است آیین نامه از سوی دیگر، بادر نظر گرفتن آسیب پذیری دانش آموزان در برابر اعتیاد اقدامات ویژه ای را برای آنها پیش بینی کرده است. بر اساس ماده پنج: وزارت آموزش و پرورش موظف است با اتخاذ تدابیر لازم به اجرای موارد زیر در وزارتخانه و ادارات تابعه اقدام کند.

۳- شناسایی دانش آموزان در معرض آسیب (دانش آموزانی که سرپرست یا والدین آنها قاچاقچی، معتاد، زندانی یا فراری هستند) و اتخاذ تدابیر مقتضی برای پیشگیری و حمایت و در صورت لزوم انجام مشاوره و آموزشهای لازم برای این دانش آموزان .... بنابراین ملاحظه می شود که در آیین نامه بالا، پیشگیری از وقوع جرم به معنای علمی و متداول آن به اقداماتی قبل از وقوع جرم توجه شده است.

۴- آیین نامه همچنین با اتخاذ تدابیری در راستای درمان معتادان به مواد مخدر، به پیشگیری ثالث نیز بی توجه نبوده است.\*

\* - از آنجا که پرداختن به همه موارد آیین نامه در این مقاله امکان پذیر نیست، رجوع به متن آیین نامه برای خوانندگان توصیه می شود.

۵- از جمله نکات قابل توجه دیگر در آیین نامه بالا توجه به نقش پر اهمیت اجتماع در پیشگیری از اعتیاد است. بر اساس بند دوازده ماده دو یکی از وظایف وزارت بهداشت: «تعمیر اقدامات لازم برای گسترش مشارکتهای مردمی در امر پیشگیری و درمان اعتیاد به ویژه گروههای خودیاری معتادان با هماهنگی وزارت کشور» بیان شده است.

### ۳-۲) پیشگیری از وقوع جرم در قانون نیروی انتظامی

بر اساس قسمت «د» بند هشت ماده چهار قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب بیست و هفتم تیرماه یکهزار و سیصد و شصت و یک) یکی از وظایفی که به عنوان ضابطه قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی گذارده شده است، پیشگیری از وقوع جرائم است. قبل از تبیین وظیفه یاد شده لازم است توضیح مختصری درباره وظایف پلیس و تقسیم بندی آن داده شود:

#### ۳-۲-۱) گستره مسئولیتهای پلیس

وظایف پلیس شکل واحدی ندارد و دارای سه مأموریت عمده است که در سطوح سه گانه زیر قابل بررسی است:

۱- پلیس سنتی: پلیس گاهی به عنوان نظم و حکومت معروف است. در واقع قلمرو مأموریت این پلیس حمایت از نظم عمومی و مهار خشونت در جامعه است، این نوع پلیس می کوشد با حفظ آرمانها و نظم عمومی (داخلی و خارجی) به اهداف خود برسد، تفکر حاکم بر آنها نظامی، ارتشی و جنگی است و دارای نظم سازمانی خاص و تابع سلسله مراتب بسیار سخت و دشواری است (پاسکوا، ۱۳۷۷، ۳۲)

۲- پلیس محلی: این پلیس شهری و محدود به مناطق است و وظیفه اصلی آن حفظ آرامش، آسایش عمومی و خدمات و کمک به مردم است، از این رو با انواع وظایف متنوع و اداری به وجود می آید. (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱، ۶۳)

بدین سان، انواع جدید پلیس اداری با وظایف متنوعی از جمله حمایت از قربانیان جرائم و راهنمایی آنان، آموزش عمومی نوجوانان و اتخاذ تدابیر و انجام اقدامات مختلف به منظور پیشگیری از وقوع جرائم اولیه و جلوگیری از استقرار

وضعیت‌های خطرناک و جرم‌زا در کنار پلیس سنتی ایجاد شده است (نجفی ابرند آبادی، ۱۷، ۱۳۸۰)

۳- پلیس قضایی: برخلاف پلیس محلی یا اداری که وظیفه حفظ نظم و آرامش قبل از وقوع جرم را در جامعه بر عهده دارد، وظیفه پلیس قضایی دقیقاً بعد از وقوع جرم شروع می‌گردد؛ یعنی اگر جرمی واقع شود، وظیفه دستگیری متهم، انجام تحقیقات مقدماتی قبل از دخالت مقام قضایی، جلوگیری از فرار متهم کمک به مقام قضایی در امر تعقیب و تحقیقات و به طور کلی تمام وظایفی بعد از وقوع جرم به آنها محول می‌شود. بنابراین، باتوجه به توضیحات بالا، پیشگیری از جرم از وظایف پلیس اداری است، و وظیفه پلیس سنتی حفظ امنیت مرزها و دفاع از ارکان نظام است و پیشگیری نمی‌تواند با چنین ساختاری مطابقت داشته باشد، پلیس قضایی نیز پس از وقوع جرم وارد عمل می‌شود. پس، همان‌طور که گفتیم باتوجه به اینکه پیشگیری به معنای علمی و متداول به اقدامات قبل از وقوع جرم بر می‌گردد، پیشگیری از جرم نمی‌تواند از وظایف آن باشد.

#### ۲-۳) انتقادهای وارد به ماده بالا بر اساس اصول «حقوق پیشگیری»

همان‌طور که در بالا آمده است، وظیفه پیشگیری از جرم به معنای علمی فقط می‌تواند از وظایف پلیس اداری باشد، چراکه اقداماتی که این پلیس برای پیشگیری انجام می‌دهد ناظر به قبل از وقوع جرم است و جنبه کنشی دارد. اما، پلیس قضایی بعد از وقوع جرم وارد صحنه می‌شود و در کنار دستگاه عدالت کیفری به ایفای وظیفه می‌پردازد. پس، پیشگیری به معنای علمی و متداول در ارتباط با این نیرو مطرح نیست.

برای انجام دادن هر چه بهتر وظایف، تفکیک بین پلیس اداری، قضایی و سنتی، ضروری است، چرا که هر کدام نیاز به تخصص و آموزش‌های خاص دارد و در حیطه‌های متفاوتی به فعالیت مشغول‌اند.

قانون نیروی انتظامی ایران نه تنها هیچ تفکیکی بین پلیس اداری، قضایی و سنتی قائل نیست، بلکه در قسمت «ج» بند هشت، ماده چهار، «پیشگیری از وقوع جرم» را به عنوان ضابطه قوه قضائیه از وظایف این نیرو دانسته است، که این مسئله با اصول حقوق پیشگیری و با

جرم شناسی پیشگیرانه « در تضاد است، چرا که اول: اقدامات پیشگیرانه ناظر بر بعد از وقوع جرم است، پس تا قبل از وقوع جرم، وظیفه ای برای آن منظور نیست، چگونه می تواند از وقوع جرم جلوگیری کند دوم: واگذاری چنین وظیفه ای به پلیس قضایی می تواند حقوق و آزادیهای شهروندان را با مخاطره های جدی روبرو سازد.

بنابراین، برای اینکه نیروی انتظامی بتواند به معنای علمی و متداول از وقوع جرائم پیشگیری کند، نه تنها تفکیک و جداسازی پلیس اداری، قضایی و سنتی ضروری است؛ بلکه واگذاری وظیفه یاد شده به پلیس اداری نیز لازم است.

### ۳-۳) پیشگیری از بزهکاری در قوانین بهزیستی

به موجب لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمانی بهزیستی کشور مصوب بیست و پنجم تیرماه یکهزار و سیصد و پنجاه و نه قانون اصلاح آن به تاریخ نهم دیماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج، یکی از اهداف تشکیل سازمان بهزیستی، « تدارک امکانات پیشگیری، درمانی و توانبخشی حرفه ای واجتماعی معلولان جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفان اجتماعی و ...» بیان شده است.

بدین ترتیب، ملاحظه می شود که به پیشگیری در سازمان بهزیستی هم توجه شده است و « معاونت امور فرهنگی و پیشگیری » به عنوان یکی از معاونتهای تشکیلات بهزیستی، وظیفه امور مربوط به پیشگیری را در این سازمان عهده دار است.

سازمان بهزیستی در راستای تدارک امکانات پیشگیری، طرحهای مختلفی را به اجرا گذاشته است، که از آن جمله، می توان از طرحهای آموزش زندگی خانوادگی، آموزش مهارتهای زندگی و برنامه همیاران بهداشت روانی و بهداشتیاران نام برد.

آنچه از این طرحها استنباط می شود این است که تحکیم مبانی خانواده، تربیت، مشارکت همگانی به طور کلی، ارتقای سطح فرهنگ و آموزش جامعه، از اهداف اصلی آنهاست. در واقع این طرحها را می توان در راستای پیشگیری اجتماعی و اولیه جرم تلقی کرد.

بر اساس متن ماده واحده لایحه تشکیل سازمان بهزیستی: « تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت گروههای داوطلب و مؤسسات غیر دولتی» به عنوان یکی از اهداف

تشکیل سازمان بیان شده است، که این نشان توجه قانونگذار به نقش پراهمیت اجتماع و نهادهای غیر دولتی در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی است.

در راستای قانون یاد شده « شورای عالی مشارکتهای مردمی » تشکیل شد که در ماده پنج اساسنامه شورا اهداف خود را بدین شرح بیان می دارد: اهداف شورای عالی مشارکتهای عبارت است از:

الف- جلب همکاری مردم خیر و نیکوکار از جنبه های مادی و معنوی در جهت تحقق مسئولیتها و اهداف سازمان بهزیستی کشور

ب- کمک در جهت ارائه خدمات مختلف به افراد بی سرپرست، ایتام، افراد معلول و نیازمندان از جمله تعلیم و تربیت، آموزش فنی و حرفه ای و ایجاد کارگاههای مختلف حرفه ای.

همچنین به موجب قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب بیست و چهارم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و یک حمایتهای مالی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، تربیتی، کاریابی، به وجود آمدن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده ( ماده چهار) برای زنان و کودکان بی سرپرست (بر اساس ماده بیست و پنج) مقرر شده است سازمان بهزیستی کشور مجری این قانون تعیین شود (ماده هشت)، سازمان نیز با تهیه آیین نامه اجرایی قانون یاد شده و تصویب آن در هیئت وزیران در راستای عملیاتی کردن آن گام بردارد.

قانون مورد نظر را می توان در راستای پیشگیری ثانویه و حمایت از افراد در معرض آسیبهای اجتماعی دانست، چرا که زنان و کودکان بی سرپرست به دلیل وضعیت و موقعیت خاص بیشتر از سایرین در معرض خطر بزهکاری و بزه دیدگی در جامعه قرار دارند، پس، در نظر گرفتن حمایتهای ویژه برای آنها ضروری است.

#### ۳-۴) پیشگیری از جرم در آیین نامه اجرایی سازمان زندانها

به موجب بند (ک) ماده بیست آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور یکی از وظایف این سازمان: « تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز جهت شناخت روشهای پیشگیری از وقوع جرائم و بررسی علل و انگیزه های ارتکاب آن و ارائه به رؤسای قوای سه گانه ... » است.

بنابراین، ملاحظه می شود که آن سازمان به عنوان یکی از زیر مجموعه های قوه قضائیه در پیشگیری از جرم توجه شده است. در ارتباط با آن وظیفه بیان نکاتی چند ضروری است :

الف- آیین نامه اجرایی جدید بر خلاف آیین نامه سال ۱۳۷۲، که ارائه اطلاعات و آمار در زمینه شناخت روشهای پیشگیری و بررسی علل و انگیزه های ارتکاب جرم را فقط به رئیس قوه قضائیه ضروری دانسته بود، ارائه اطلاعات به رؤسای قوای سه گانه را لازم دانسته و این مسئله نشان شکل گیری این نظر است که پیشگیری از بزهکاری نیازمند تقسیم وظایف و اعمال سیاستگذاری در سطح همه قواست .

ب- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، به عنوان یکی از آخرین ایستگاههای چرخه عدالت کیفری، در واقع ، بهترین مکان برای شناخت علل ارتکاب جرم است؛ چرا که این سازمان از نزدیک با مجرمان درارتباط است، و با انجام مطالعات و تحقیقات میدانی می تواند به انگیزه ها و علل ارتکاب جرم پی ببرد و در نتیجه به شناسایی و روشهای پیشگیری از وقوع جرم قادر است.

درهمین راستا ماده بیست و یک آیین نامه مقرر می دارد که : « سازمان می تواند با ایجاد تشکیلات مناسب با انجام تحقیقات و مطالعات علمی لازم مستقل اقدام کند. »

ج- همان طور که در فصل دوم بیان شد “ اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم » به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی آمده است، و از آنجا که آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است، بنابراین، می توان گفت که ماده یاد شده از جمله اقدامات مناسب قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرائم است، چرا که قبل از هر اقدامی برای پیشگیری از بزهکاری شناسایی علل ارتکاب جرم و تهیه آمار و اطلاعات موردنیاز جهت شناخت روشهای پیشگیری، ضروری است و بدون شناخت علل وقوع جرم، پیشگیری از آن امکان پذیر نیست.



## ۴) نتیجه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» را از وظایف قوه قضائیه دانسته است، و قوه قضائیه تا به حال جز تأسیس چند مرکز برای مطالعه در زمینه پیشگیری از جرم، هیچ اقدامی در راستای عملی نمودن وظیفه خود انجام نداده است. پیشگیری از بزهکاری به شکلی پراکنده و موردی در برخی از قوانین عادی، نظیر: قانون مبارزه با مواد مخدر و آیین نامه پیشگیری از اعتیاد و درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد مصوب ستاد مبارزه با مواد مخدر، قانون نیروی انتظامی و قوانین بهزیستی، آمده است، اما در برخی موارد به دلیل عدول قانونگذار از اصول «حقوق پیشگیری» و «جرم شناسی پیشگیرانه» قابل انتقاد به نظر می رسد.

با توجه به آنچه تا کنون بیان شد، به این نتیجه می رسیم که مدیریت پیشگیری از جرم در ایران بسیار پراکنده و ناهماهنگ است؛ بنابراین، برای رهایی از این وضعیت و سیاستگذاری صحیح و عملی در زمینه پیشگیری از بزهکاری پیشنهاد های زیر مطرح می شود:

۱- با توجه به اینکه سیاستگذاری در زمینه پیشگیری از جرم قبل از هر چیز مستلزم علل وقوع بزهکاری در سطح خرد و کلان است؛ بنابراین پیشنهاد می شود قبل از هر گونه اقدام عملی برای پیشگیری به معنای علمی و متداول، علل و عوامل بزهکاری شناخته شود؛ در این راستا باید کمیته ملی تشکیل شود و این کمیته بر اساس یافته های جرم‌شناختی و علمی و با استفاده از متخصصان امر به تحقیقات گسترده و همه جانبه اقدام کند، تا در نهایت با تهیه گزارشی اصولی، بتواند نقش پشتوانه ای را برای سیاستگذاری در زمینه پیشگیری از جرم، انجام دهد.

طبیعی است که چنین کاری در سطح ملی بسیار پرهزینه و وقت‌گیر خواهد بود و نیاز به عزم جدی تمام نهادها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی و مشارکت مردم، دارد.

لازم به ذکر است که در کشور ما تا به امروز در زمینه علل بزهکاری در محیطهای دانشگاهی و غیر دانشگاهی تحقیقات موردی زیادی انجام شده است، در

صورت تشکیل کمیته ملی مطالعه در زمینه علل و عوامل بزهکاری می توان با بهره‌برداری از تحقیقات یاد شده به یک سلسله اصول روشن در زمینه بزهکاری دست یافت.

۲- پس از مشخص شدن علل و عوامل وقوع بزهکاری در ایران، با توجه به گستردگی علل وقوع جرم و برنامه ریزیهای همه جانبه برای پیشگیری از آن تشکیل : « شورای ملی پیشگیری از بزهکاری » پیشنهاد می شود واز آنجا که با توجه به قانون اساسی وظیفه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم به قوه قضائیه محول شده است، پس مدیریت شورای یاد شده باید به قوه قضائیه محول شود.

شورا قبل از هر چیز باید وضعیت و مفهوم پیشگیری از بزهکاری را مشخص کند و پیشگیری به معنای علمی و متداول را سرلوحه برنامه های خود قرار دهد.

از آنجا که مسئله پیشگیری از بزهکاری نیاز به اقدامات گسترده ای دارد پس، حضور نهادها و مؤسسات درگیر با معضل بزهکاری و سایر نهادهای اجتماعی نظیر، سازمان بهزیستی کشور، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ستاد مبارزه با مواد مخدر و ... ضروری است.

« شورای ملی پیشگیری از جرم » باید در سطح استانها و بخشها نیز شعبه هایی داشته باشد. ترکیب اعضای شورا نیاز به کارشناسی با توجه به موقعیت جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی هر منطقه دارد.

الف- کتابها

- ۱- آنتل، مارک، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم: پاییز.
- ۲- دلماس مارتی، می ری، ۱۳۸۱، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز.
- ۳- گسن، ریموند، ۱۳۷۰، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- ۴- گسن، ریموند، ۱۳۷۴، جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۵- لیز، ژرار- فیلیزولا ژینا، ۱۳۷۹، بزه دیده و بزه شناسی، ترجمه روح الدین کردعلیوند، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۶- مشیری، مهشید، ۱۳۶۴، فرهنگ فارسی (تک جلدی) انتشارات سروش، چاپ سوم.
- ۷- معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی (تک جلدی)، انتشارات امیرکبیر.
- ۸- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشک بیگی، حمید، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.

ب- مقاله ها، گزارش ها، تقریرها

- ۹- آشنایی با مرکز پژوهشهای قوه قضائیه، ۱۳۷۷، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۲۲، انتشارات روزنامه رسمی، بهار.
- ۱۰- پاسکوا، شارل، ۱۳۷۷، جنم اندازی به پلیس پیشرفته، ترجمه روح الدین کردعلیوند، مجله امنیت، شماره ۴، وزارت کشور، مهر.
- ۱۱- رزینام، دنیس، ۱۳۷۹، پیشگیری وصفی از جرم، ترجمه رضا پرویزی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۲.
- ۱۲- گراهام، جان، ۱۹۹۰، جزوه استراتژیهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، هلسینکی فنلاند، ترجمه موسسه جرم شناسی، موجود در مرکز تحقیقات و پژوهشهای قوه قضائیه، شماره سند ۹۲.
- ۱۳- گسن، ریموند، ۱۳۷۶، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰-۱۹.
- ۱۴- کلدی، علیرضا، ۱۳۸۱، انحراف، جرم و پیشگیری، فصل نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال اول، شماره ۳، بهار.

## References

- ۱۵- صورت مشروح مذاکرات مجلس ، بررسی عناوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلسه (۵۸)، آذر ۱۳۶۴ ، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- ۱۶- مصاحبه با مرحوم دکتر کی نیا، ۱۳۷۵، مجله راه عدالت، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال اول، شماره ۴ و ۳، پاییز و زمستان.
- ۱۷- گزارش کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری تحت ریاست آن پیرفیت، ۱۹۷۷ (پاسخهایی با خشونت) ، ترجمه مرتضی محسنی، انتشارات گنج دانش، چاب اول، ۱۳۷۸.
- ۱۸- نجفی ایرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۹ ، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۲۶ و ۲۵، بهار و تابستان.
- ۱۹- نجفی ایرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۱، پلیس و امنیت عمومی، مجله امنیت شماره ۱۶ و ۱۵، وزارت کشور، مهر و آبان.
- ۲۰- نجفی ایرند آبادی ، ۱۳۸۰ ، پلیس محلی و پیشگیری از بزهکاری، مجله امنیت ، شماره های ۱۷ و ۱۸ آذر و دی ۱۳۷۹، شماره ۲۱ و ۲۲، فروردین و اردیبهشت.
- ۲۱- نجفی ایرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۹ ، مشارکت مردم در امنیت عمومی (میزگرد) ، مجله امنیت ، شماره ۹ و ۱۰، فروردین و اردیبهشت.
- ۲۲- نجفی ایرند آبادی، علی حسین ۱۳۷۹: درآمدی بر جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین المللی علمی- کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در مقابل مواد مخدر، جلد اول، روزنامه رسمی، اردیبهشت.
- ۲۳- خالقی، سمیرا، ۱۳۷۹، سنجش و ارزیابی انواع روشهای پیشگیری از وقوع جرم ، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی.
- ۲۴- فرجیهای قزوینی، محمد، ۷۱-۱۳۷۰، اقدامات مناسب قوه قضائیه برای پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- ۲۵- ظاهمایی نژاد، علیرضا، ۱۳۸۱ ، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۶- موذن زادگان، حسن علی، ۱۳۶۷، پیشگیری از وقوع جرم در قانون اساسی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و حقوق شناسی دانشگاه تربیت مدرس ، اسفند.